

[اذان و اقامه 2](#_Toc42598916)

[أقوال در حکم اذان و اقامه 2](#_Toc42598917)

[قول أول (استحباب) 2](#_Toc42598918)

[قول أول 2](#_Toc42598919)

[قول دوم 2](#_Toc42598920)

[قول سوم 3](#_Toc42598921)

[بررسی حکم اذان 3](#_Toc42598922)

[دلیل بر عدم وجوب 3](#_Toc42598923)

[أدله وجوب اذان در مورد نماز جماعت 4](#_Toc42598924)

[دلیل أول (روایت أبی بصیر) 4](#_Toc42598925)

[مناقشه 4](#_Toc42598926)

[دلیل دوم (موثقه عمار) 4](#_Toc42598927)

[مناقشه 5](#_Toc42598928)

[دلیل سوم (صحیح عبدالله بن سنان) 5](#_Toc42598929)

[مناقشه 5](#_Toc42598930)

[دلیل چهارم (معتبره عبدالله بن حلبی) 6](#_Toc42598931)

[مناقشه 6](#_Toc42598932)

[مناقشه در دلالت تمام روایت (وجود معارض) 6](#_Toc42598933)

[بررسی حکم اذان در نماز صبح و مغرب 7](#_Toc42598934)

[دلیل بر وجوب 7](#_Toc42598935)

[مناقشه 8](#_Toc42598936)

**موضوع**: مکان /اذان و اقامه /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسات قبل مسائلی پیرامون أحکام مسجد بیان شد.

# اذان و اقامه

فصل في الأذان و الإقامة‌: لا إشكال في تأكد رجحانهما في الفرائض اليومية أداء و قضاء جماعة و فرادى حضرا و سفرا للرجال و النساء و ذهب بعض العلماء إلى وجوبهما و خصه بعضهم بصلاة المغرب و الصبح

برخی از علماء قائل به وجوب اذان و اقامه شده اند و برخی دیگر وجوب اذان و اقامه را مختص به نماز مغرب و صبح کرده اند و برخی دیگر وجوب اذان و اقامه را در خصوص نماز جماعت قائل شده اند و شرط صحت جماعت را اذان و اقامه امام دانسته اند؛ لکن أقوی این است که اذان مطلقاً مستحب است ولی نسبت به اقامه در نماز احتیاط مستحب مؤکّد است که مردان اقامه را در نماز ترک نکنند.

## أقوال در حکم اذان و اقامه

## قول أول (استحباب)

راجع به حکم اذان و اقامه در نماز، مشهور بین أصحاب چه در زمان قدیم بین متقدّمین و چه بین متأخّرین، استحباب اذان و اقامه است و لکن در مسأله أقوال دیگری وجود دارد که نقل می کنیم؛

### قول أول

قول أول قولی است که مرحوم شیخ مفید در مقنعه صفحه 97 و شیخ طوسی در نهایه صفحه 64 و ابن براج در المهذّب و ابن حمزه در کتاب الوسیله قائل شده اند که اذان و اقامه در نماز جماعت واجب است. و به این ها نسبت داده شده که اگر نماز جماعت بدون اذان و اقامه برگزار شود جماعت باطل است.

### قول دوم

قول دوم قول سید مرتضی در کتاب جمل العلم و العمل است که اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب و نماز جمعه بر همه واجب است؛ أما در غیر این ها بر خصوص مردان در نماز جماعت واجب است و نسبت به اقامه در همه نماز ها چه جماعت چه فرادا، چه نماز صبح و چه ظهر، عصر، مغرب و عشاء بر مردان واجب است.

### قول سوم

قول سوم قول منسوب به ابن أبی عقیل است که اقامه در همه نماز ها واجب است ولی اذان در نماز صبح و مغرب واجب است و در غیر این ها مستحب است.

**مرحوم خویی به صاحب عروه اشکال کرده اند که**: ظاهر عبارت ایشان این است که قائل به وجوب اذان و اقامه مطلقاً داریم؛ در حالی که ظاهراً قائلی به وجوب اذان و اقامه به صورت مطلق نداریم بلکه قول به وجوب اذان همراه با تفاصیلی بود که مطرح شد.

**به هر حال بحث تارة در حکم اذان و تارة در حکم اقامه واقع می شود؛**

## بررسی حکم اذان

### دلیل بر عدم وجوب

**مرحوم خویی فرموده اند**: برای اثبات عدم وجوب اذان کافی است که أخبار مستفیضه ای داریم که مفادش این است که کسی که همراه با نماز و اقامه نماز بخواند دو صف از ملائکه پشت سر او نماز می خوانند و اگر کسی تنها با اقامه بدون اذان نماز بخواند یک صف از ملائکه پشت سر او نماز می خوانند. این مفاد، بهترین شاهد است که اذان در نماز واجب نیست وگرنه چگونه است که اگر کسی تنها با اقامه نماز بخواند یک صف از ملائکه پشت سر او نماز می خوانند؟! مثلاً در صحیحه محمد بن مسلم آمده است: «وَ عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّكَ إِذَا أَذَّنْتَ وَ أَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفَّانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِنْ أَقَمْتَ إِقَامَةً بِغَيْرِ أَذَانٍ صَلَّى خَلْفَكَ صَفٌّ وَاحِدٌ[[1]](#footnote-1)» و به همین مضمون صحیحه حلبی [عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَذَّنْتَ وَ أَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفَّانِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ إِذَا أَقَمْتَ صَلَّى خَلْفَكَ صَفٌّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ[[2]](#footnote-2)] است. لذا از این روایات استفاده می شود که اذان در نماز واجب نیست.

بله، برخی از روایات وجود دارد که ممکن است از آن ها وجوب اذان استیناس شود حال یا در مورد نماز جماعت و یا در مورد نماز صبح و مغرب؛

### أدله وجوب اذان در مورد نماز جماعت

أما در مورد نماز جماعت، عمده روایاتی که در این رابطه وارد شده است چنین است؛

### دلیل أول (روایت أبی بصیر)

1-روایت أبی بصیر: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ أَ يُجْزِئُ أَذَانٌ وَاحِدٌ قَالَ إِنْ صَلَّيْتَ جَمَاعَةً لَمْ يُجْزِئْ إِلَّا أَذَانٌ وَ إِقَامَةٌ وَ إِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ تُبَادِرُ أَمْراً تَخَافُ أَنْ يَفُوتَكَ يُجْزِئُكَ إِقَامَةٌ إِلَّا الْفَجْرَ وَ الْمَغْرِبَ فَإِنَّهُ يَنْبَغِي أَنْ تُؤَذِّنَ فِيهِمَا وَ تُقِيمَ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ لَا يَقْصُرُ فِيهِمَا كَمَا يَقْصُرُ فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ.[[3]](#footnote-3)

#### مناقشه

روایت أول به نظر مشهور مشکل سندی دارد زیرا مشتمل بر علی بن أبی حمزه بطائنی است؛ ولی ما با استصحاب وثاقت علی بن أبی حمزه بطائنی را پذیرفته ایم و گفته ایم بعد از تعارض شهادت ابن فضّال به کذّاب بودن علی بن أبی حمزه بطائنی با شهادت شیخ طوسی در عده به وثاقت او بعد از واقفی شدن این شخص، حالت سابقه علی بن أبی حمزه بطائنی را استصحاب می کنید که قبل از واقفی بودن ظاهر العدالة و الوثاقه بود و قدحی در مورد او نسبت به قبل از واقفی شدنش مطرح نبود و استصحاب بقای وثاقت تا آخر را جاری می کنیم و لذا فی حد ذاته دلالت و سند این روایت را می پذیریم.

### دلیل دوم (موثقه عمار)

2-موثقه عمار: مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْأَذَانِ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَكُونَ مِنْ غَيْرِ عَارِفٍ قَالَ لَا يَسْتَقِيمُ الْأَذَانُ وَ لَا يَجُوزُ أَنْ يُؤَذِّنَ بِهِ إِلَّا رَجُلٌ مُسْلِمٌ عَارِفٌ فَإِنْ عَلِمَ الْأَذَانَ فَأَذَّنَ بِهِ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ عَارِفاً لَمْ يُجْزِ أَذَانُهُ وَ لَا إِقَامَتُهُ وَ لَا يُقْتَدَى بِهِ وَ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُؤَذِّنُ وَ يُقِيمُ لِيُصَلِّيَ وَحْدَهُ فَيَجِي‌ءُ رَجُلٌ آخَرُ فَيَقُولُ لَهُ نُصَلِّي جَمَاعَةً فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَا بِذَلِكَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَةِ قَالَ لَا وَ لَكِنْ يُؤَذِّنُ وَ يُقِيمُ.[[4]](#footnote-4) سؤال می کند که شخصی اذان و اقامه می گوید تا فرادا نماز بخواند و شخص دیگری می آید و می گوید بیایید نماز جماعت بخوانیم. آیا می شود با همان اذان و اقامه آن شخص نماز جماعت برگزار شود؟ حضرت فرمود: خیر، باید برای جماعت اذان و اقامه گفته شود.

#### مناقشه

روایت دوم که موثقه عمار است اشکالش این است که در مورد خودش کسی آن را قبول نکرده است؛ وقتی کسی اذان می گوید و دیگری می خواهد به او اقتدا کند لزومی ندارد دو مرتبه اذان را تکرار کند و نیز اگر اقامه بگوید ولی بین اقامه و نماز حرفی نزند و تنها شخصی که می آید حرف می زند و می گوید «نصلی جماعة»، در این صورت لزومی ندارد اقامه را اعاده کند و کسی قائل به لزوم اعاده اذان و اقامه بر این امام جماعت نیست که ابتدا قصد داشت فرادا نماز بخواند و بعد از اذان و اقامه کسی آمد و درخواست نماز جماعت کرد.

### دلیل سوم (صحیح عبدالله بن سنان)

3-صحیحه عبدالله بن سنان: وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يُجْزِيكَ إِذَا خَلَوْتَ فِي بَيْتِكَ إِقَامَةٌ وَاحِدَةٌ بِغَيْرِ أَذَانٍ.[[5]](#footnote-5) مفهوم روایت این است که اگر نماز فرادا نمی خوانی اقامه تنها مجزی نیست.

#### مناقشه

**مرحوم خویی در جواب از روایت سوم فرموده اند**: روایت نفرمود «یجزیک عن الأمر الوجوبی» و ممکن است مراد «یجزیک عن الأمر الاستحبابی» باشد؛ یعنی در نماز فرادا اقامه تنها هم از عمل به مستحب مجزی است.

**انصافاً این فرمایش مرحوم خویی خلاف ظاهر است**؛ زیرا شکی نیست که بر منفرد که تنها نماز می خواند اذان مستحب است و اقامه واحده جایگزین اذان در عمل به مستحب نمی شود و لذا نمی شود مراد روایت «یجزیک عن الأمر الاستحبابی» باشد. و ظهور «یجزیک» نیز در اجزای از انجام وظیفه است. لذا به نظر ما دلالت روایت سوم هم تمام است.

### دلیل چهارم (معتبره عبدالله بن حلبی)

4-معتبره عبیدالله بن حلبی: وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ كَانَ إِذَا صَلَّى وَحْدَهُ فِي الْبَيْتِ أَقَامَ إِقَامَةً وَ لَمْ يُؤَذِّنْ.[[6]](#footnote-6) مفهوم روایت این است که وقتی حضرت به صورت جماعت نماز می خواندند علاوه بر اقامه، اذان هم می گفتند.

#### مناقشه

روایت چهارم حکایت فعل امام علیه السلام است که در حالی که نماز جماعت می خواندند اذان هم می گفتند أما دلالت ندارد که اذان گفتن واجب بوده است.

#### مناقشه در دلالت تمام روایت (وجود معارض)

لذا دلالت روایت سوم و روایت أول (که سند آن را پذیرفتیم) بر وجوب اذان در نماز جماعت تمام است؛ لکن باید از این ظهور در وجوب رفع ید کنیم به خاطر روایاتی که در مورد نماز جماعت آمده است و بیان می کند که اذان گفتن واجب نیست؛

1-موثقه حسن بن زیاد: سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كَانَ الْقَوْمُ لَا يَنْتَظِرُونَ أَحَداً اكْتَفَوْا بِإِقَامَةٍ وَاحِدَةٍ.[[7]](#footnote-7) ظاهر تعبیر به «القوم» این است که می خواهند نماز جماعت بخوانند.

2-صحیحه علی بن رئاب: وَ عَنْهُمَا، عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: تَحْضُرُ الصَّلَاةُ وَ نَحْنُ مُجْتَمِعُونَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ، تُجْزِؤُنَا إِقَامَةٌ بِغَيْرِ أَذَانٍ؟ قَالَ: «نَعَمْ»[[8]](#footnote-8). مورد روایت نماز جماعت است و ظاهر «نحن مجتمعون فی مکان واحد» این است که نماز جماعت می خواندند.

لذا جمع بین روایات اقتضا دارد که اذان در نماز جماعت مستحب مؤکد است منتها مستحب مؤکّدتر از اذان گفتن در نماز فرادا است.

## بررسی حکم اذان در نماز صبح و مغرب

أما راجع به اذان گفتن در نماز صبح و مغرب از برخی روایات نیز وجوب آن استفاده شده است؛

### دلیل بر وجوب

1-صحیحه زراره: وَ رَوَى زُرَارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ أَدْنَى مَا يُجْزِي مِنَ الْأَذَانِ أَنْ يَفْتَتِحَ اللَّيْلَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ وَ يَفْتَتِحَ النَّهَارَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ وَ يُجْزِيكَ فِي سَائِرِ الصَّلَاةِ إِقَامَةٌ بِغَيْرِ أَذَانٍ‌[[9]](#footnote-9) ظاهر روایت این است که حداقل چیزی که مجزی است این است که ابتدای شب یعنی برای نماز مغرب اذان و اقامه گفته شود و در هنگام شروع در روز که نماز صبح خوانده می شود اذان و اقامه گفته شود؛ أما در بقیه نماز ها اقامه بدون اذان مجزی است.

**مرحوم خویی اینجا هم فرموده اند**: تعبیر به «أدنی ما یجزی عن العمل بالحکم الوجوبی» نکرد و احتمال دارد مراد «أدنی ما یجزی عن العمل بالحکم الاستحبابی» باشد.

**عرض کردیم:** این مطلب خلاف ظاهر است و ظاهر «یجزی» اجزای از عمل به وظیفه است؛ مخصوصاً این که در همه نماز ها ولو غیر از نماز مغرب و صبح به تسالم أصحاب و مفاد روایات، اذان مستحب است و لذا «یجزیک فی سائر الصلوات اقامة بغیر اذان» نمی تواند به معنای «یجزیک عن العمل بالمستحب» باشد و اینجا هم که تعبیر به «أَدْنَى مَا يُجْزِي مِنَ الْأَذَانِ أَنْ يَفْتَتِحَ اللَّيْلَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ وَ يَفْتَتِحَ النَّهَارَ بِأَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ» دارد خلاف ظاهر سیاق است که مراد «أدنی ما یجزی عن العمل بالمستحب» باشد.

2-روایت صبّاح بن سیّابه: أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ أَوِ ابْنِ عَمَّارٍ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَا تَدَعِ الْأَذَانَ فِي الصَّلَوَاتِ كُلِّهَا فَإِنْ تَرَكْتَهُ فَلَا تَتْرُكْهُ فِي الْمَغْرِبِ وَ الْفَجْرِ فَإِنَّهُ لَيْسَ فِيهِمَا تَقْصِيرٌ[[10]](#footnote-10). اذان در هیچ نمازی را ترک نکن و اگر ترک می کنی در نماز صبح و مغرب ترک نکن زیرا این ها در سفر شکسته نمی شوند.

این روایت به خاطر جهالت صبّاح بن سیّابه ضعیف السند است. از حیث دلالت نیز گفته می شود این تعلیل با وجوب تناسب ندارد و مرحوم خویی نیز فرموده اند این لسان که «فإنه لیس فیهما تقصیر» لسان وجوب نیست.

3-صحیحه ابن سنان: عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: يُجْزِيكَ فِي الصَّلَاةِ إِقَامَةٌ وَاحِدَةٌ إِلَّا الْغَدَاةَ وَ الْمَغْرِبَ.[[11]](#footnote-11) در هر نمازی اقامه بدون نماز مجزی است مگر در نماز صبح و مغرب.

سند و دلالت روایت خوب است و مرحوم خویی دلالت این روایت بر وجوب را پذیرفته است زیرا تعبیر به «یجزیک فی الصلاة» کرده است و تعبیر به «یجزیک فی الأذان، یجزیک عن الأذان» نکرده است.

ولی به نظر ما فرقی بین این روایت و صحیحه زراره نیست و مرحوم خویی در «أدنی ما یجزی» اشکال کرد که شاید مراد «أدنی ما یجزی عن العمل بالمستحب» باشد و این اشکال در اینجا نیز وجود دارد زیرا تعبیر به «یجزیک عن الصلاة» ندارد بلکه تعبیر به «یجزیک فی الصلاة» دارد یعنی در مورد نماز -همه‌ی نماز ها- اقامه واحد مجزی است أما نگفته است از چه چیزی مجزی است و لذا این اشکال مرحوم خویی اینجا می آید که شاید مراد روایت «اجزای از عمل به مستحب» باشد. لکن ما این اشکال را نپذیرفتیم و بیان کردیم که ظاهر «یجزیک، أدنی ما یجزی» این است که اجزای از عمل به وظیفه را بیان می کند و اجزای از عمل به مستحب را نمی گوید.

#### مناقشه

لذا ظاهر این روایات در وجوب اذان در نماز مغرب و صبح می پذیریم ولی قرینه داریم که اذان در نماز مغرب و نماز صبح واجب نیست؛

1-صحیحه عمر بن یزید: فَأَمَّا مَا رَوَاهُ- سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْإِقَامَةِ بِغَيْرِ أَذَانٍ فِي الْمَغْرِبِ فَقَالَ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ مَا أُحِبُّ أَنْ يُعْتَادَ.[[12]](#footnote-12)

هر چند این صحیحه در مورد نماز مغرب است که اقامه بدون اذان اشکال ندارد ولی به خاطر این که احتمال تفصیل بین نماز مغرب و نماز صبح نیست لذا حکم نماز صبح نیز فهمیده می شود. علاوه بر این که صحیحه صفوان بن مهران نیز وجود دارد؛

2-صحیحه صفوان بن مهران: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ الْعَطَّارِ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْأَذَانُ مَثْنَى مَثْنَى وَ الْإِقَامَةُ مَثْنَى مَثْنَى وَ لَا بُدَّ فِي الْفَجْرِ وَ الْمَغْرِبِ مِنْ أَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ لِأَنَّهُ لَا يُقَصَّرُ فِيهِمَا فِي حَضَرٍ وَ لَا سَفَرٍ وَ يُجْزِيكَ إِقَامَةٌ بِغَيْرِ أَذَانٍ فِي الظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ الْأَذَانُ وَ الْإِقَامَةُ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ أَفْضَلُ‌[[13]](#footnote-13)

**مرحوم خویی فرموده اند:** از این روایت استفاده می شود که اذان در نماز مغرب و صبح، مستحب است و واجب نیست زیرا تصریح کرده است که «اذان و اقامه در جمیع صلوات أفضل است» و لذا تعبیر به «لا بُدَّ فِي الْفَجْرِ وَ الْمَغْرِبِ مِنْ أَذَانٍ وَ إِقَامَةٍ فِي الْحَضَرِ وَ السَّفَرِ لِأَنَّهُ لَا يُقَصَّرُ فِيهِمَا فِي حَضَرٍ وَ لَا سَفَرٍ» استحباب مؤکّد خواهد بود.

**به نظر ما این فرمایش مرحوم خویی قابل جواب است**؛ حضرت طبق این صحیحه فرمودند باید در نماز صبح و نماز مغرب چه در حضر و چه در سفر اذان و اقامه بگویی، ولی در نماز ظهر و عصر و عشاء اقامه بدون اذان مجزی است و بعد فرمود اذان و اقامه در جمیع نماز ها أفضل است که به این معنا است که در نماز ظهر و عصر و عشاء نیز اذان أفضل است؛ و این ذیل ظهور ندارد در این که در نماز صبح و مغرب هم اذان از ترک اذان أفضل است یعنی مستحب است و این معنا خلاف ظاهر است و تعبیر «الاذان والاقامه فی جمیع الصلوات أفضل» برای توسعه بیان فضیلت اذان و اقامه در جمیع صلوات است و با بیان قبلی منافات ندارد که اذان و اقامه در نماز صبح و مغرب مما لا بد منه باشد. لذا به نظر ما صحیح این است که به همان صحیحه عمر بن یزید به ضمّ عدم فصل اکتفاء کنیم.

**نکته ای بیان می کنیم و این بحث را تمام می کنیم**؛ مرحوم خویی فرموده اند ممکن است برای عدم وجوب اذان در نماز مغرب و نماز صبح به صحیحه حلبی که قبلاً خواندیم، استیناس کنیم؛ وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ أَنَّهُ كَانَ إِذَا صَلَّى وَحْدَهُ فِي الْبَيْتِ أَقَامَ إِقَامَةً وَ لَمْ يُؤَذِّنْ.[[14]](#footnote-14) تعبیر «کان» و این که امام باقر علیه السلام این طور بود ظاهر در این است که روش حضرت استمرار داشت و به مقتضای اطلاق فهمیده می شود که در نماز مغرب و صبح نیز حضرت در منزل اذان نمی گفتند.

**لکن انصافاً این معنا تمام نیست**؛ زیرا همین که حضرت در نماز ظهر و عصر و عشاء به صورت مستمر اذان نگویند کافی است که تعبیر مذکور صدق کند؛ علاوه بر این که بر فرض نسبت به نماز مغرب و نماز صبح اطلاق داشته باشد اطلاق قابل تقیید است و ظاهر روایات قبلی این بود که باید در نماز مغرب و صبح اذان گفته شود. و لذا عمده برای قول به عدم وجوب اذان در نماز مغرب و صبح، صحیحه عمر بن یزید است؛ علاوه بر این که به قول مرحوم خویی دلیل خامسی در فقه غیر از کتاب و سنت و اجماع و عقل داریم و آن، دلیل «لو کان لبان» است و حکم به این مهمی و محل ابتلایی (وجوب اذان گفتن در نماز صبح و مغرب) اگر ثابت می بود بر شیعه مخفی می ماند؟!! قطعاً مخفی نمی ماند و لذا از این، کشف می شود که اذان در نماز صبح و مغرب مثل بقیه نماز ها وجوب ندارد.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص52.](http://lib.eshia.ir/10083/2/52/%D8%A7%D9%82%D9%85%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص303.](http://lib.eshia.ir/11005/3/303/%D8%A7%D9%82%D9%85%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص303.](http://lib.eshia.ir/11005/3/303/%DB%8C%D8%AC%D8%B2%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص304.](http://lib.eshia.ir/11005/3/304/%DB%8C%D9%82%DB%8C%D9%85%20) [↑](#footnote-ref-4)
5. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص50.](http://lib.eshia.ir/10083/2/50/%D8%AE%D9%84%D9%88%D8%AA%20) [↑](#footnote-ref-5)
6. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص50.](http://lib.eshia.ir/10083/2/50/%D9%88%D8%AD%D8%AF%D9%87%20) [↑](#footnote-ref-6)
7. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص50.](http://lib.eshia.ir/10083/2/50/%D8%A7%DA%A9%D8%AA%D9%81%D9%88%D8%A7%20) [↑](#footnote-ref-7)
8. قرب الإسناد (ط - الحديثة)، ص: 163‌ [↑](#footnote-ref-8)
9. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص286.](http://lib.eshia.ir/11021/1/286/%D8%A8%D8%A3%D8%B0%D8%A7%D9%86%20) [↑](#footnote-ref-9)
10. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص299.](http://lib.eshia.ir/11002/1/299/%D9%84%D8%A7%20%D8%AA%D8%AF%D8%B9) [↑](#footnote-ref-10)
11. [استبصار، شیخ طوسی، ج1، ص300.](http://lib.eshia.ir/11002/1/300/%DB%8C%D8%AC%D8%B2%DB%8C%DA%A9%20) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص51.](http://lib.eshia.ir/10083/2/51/%DB%8C%D8%B9%D8%AA%D8%A7%D8%AF%20) [↑](#footnote-ref-12)
13. علل الشرائع، ج‌2، ص: 337‌ [↑](#footnote-ref-13)
14. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص50.](http://lib.eshia.ir/10083/2/50/%D9%88%D8%AD%D8%AF%D9%87%20) [↑](#footnote-ref-14)